

## شناسایی عوامل کلیدی موثر در ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای استان گلستان

مسعود تقوایی<sup>۱</sup>، سیروس شفقی<sup>۲</sup>، محمدرضا قادری<sup>۳\*</sup>

<sup>۱</sup>استاد، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

<sup>۲</sup>استاد، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، پژوهشگاه مهندسی بحران‌های طبیعی شاخص پژوه، اصفهان، ایران

<sup>۳</sup>دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، پژوهشگاه مهندسی بحران‌های طبیعی شاخص پژوه، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۶

### چکیده

ارزیابی سطوح توسعه و سطح بندی نواحی با استفاده از روش‌های کمی از سویی منجر به شناخت میزان نابرابری بین نواحی می‌گردد و از سوی دیگر تلاشی در زمینه کاهش و رفع نابرابری‌های موجود می‌باشد. با توجه به ساختار هموژنیکی استان گلستان و همگنی آن، نقش برنامه ریزی برای کاهش عدم تعادل‌های موجود در منطقه، بسیار تعیین کننده است. از آنجا که در قسمت شرق منطقه ساحلی شمال، مولفه‌های اثر گذار کلاً با قسمت‌های غربی و میانی منطقه تفاوت فاحش و بنیادینی دارد، شناسایی عوامل مؤثر در بروز تفاوت‌های منطقه‌ای استان گلستان که در اساس با ماهیت و ساختار طبیعی خود که متفاوت از گیلان و مازندران نه مقصد توریستی و نه مقصد سوداگری زمین می‌باشد حائز اهمیت است. این یک تحقیق کاربردی و توسعه است و روش تحقیق ترکیبی از روش‌های اسنادی و پیمایشی است که از لحاظ تحلیلی با استفاده از ترکیبی از مدل‌های کمی و کیفی انجام می‌شود. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌ها و تکنیک‌های دلفی جمع‌آوری شد. پرسشنامه‌ها توسط کارشناسان برنامه ریزی و توسعه، آشنا به مسائل توسعه به منظور شناخت عوامل مؤثر در تحلیل عدم تعادل در استان گلستان، در دو سطح تکمیل شده اند. سپس روش ماتریس متقاطع برای ارزیابی تأثیر عوامل بر یکدیگر و استفاده از نرم‌افزار MICMAC عوامل کلیدی مرتبط با ایجاد عدم تعادل منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد این عوامل شامل توسعه تک بُعدی از منظر فضایی، همگرایی و واگرایی قومی، قابلیت‌های محیطی و مهاجرت بوده و در نهایت راهکارهای مناسب در کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای استان گلستان ارائه شد.

**واژه‌های کلیدی:** نابرابری، برنامه‌ریزی، تعادل منطقه‌ای، استان گلستان

### مقدمه

امکانات و جمعیت در یک یا چند نقطه تمرکز می‌یابند و سایر مناطق به صورت حاشیه‌ای عمل کرده و باعث بروز نابرابری‌های منطقه‌ای می‌شود (پورمحمدی و زالی، ۱۳۸۹: ۳۰). اصولاً نابرابری‌های منطقه‌ای از دو زمینه اصلی نشأت می‌گیرند: نخست شرایط طبیعی هر منطقه جغرافیایی و دوم تصمیمات مدیران و برنامه‌ریزان (یاسوری، ۱۳۸۸: ۲۰۴). نابرابری و جنبه‌های مختلف آن نشانه‌های مشخصی از توسعه نیافتگی به شمار می‌روند. از این رو به‌منظور بررسی میزان نابرابری‌های بین مناطق، معیارهای توسعه آن‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شود. بحث عدالت فضایی و توسعه مناطق محروم و نیز وجود تفاوت‌های بارز میان مناطقی که در اندازه

**طرح مسئله:** ارزیابی سطوح توسعه و سطح بندی نواحی با استفاده از روش‌های کمی از سویی منجر به شناخت میزان نابرابری بین نواحی می‌گردد و از سوی دیگر تلاشی در زمینه کاهش و رفع نابرابری‌های موجود می‌باشد (میرکتولی و کنعانی، ۱۳۹۰: ۱۷). تمرکز جمعیت و فعالیت‌ها و عدم تعادل فضایی در برخورداری از امکانات اجتماعی یکی از ویژگی‌های بارز کشورهای جهان سوم است. این ویژگی را در ایران قبل از انقلاب و آثار و بقایای آن را در ایران بعد از انقلاب می‌توان به وضوح یافت و مشاهده کرد. برطبق این ویژگی بخش عمده‌ای از

شوند. در آمریکا بیشتر نابرابری منطقه‌ای در درآمد سرانه به تفاوت در نرخ اشتغال بستگی دارد (توفیق، ۱۳۸۴). در کشورهای اسکاندیناوی، توسعه منطقه‌ای در مقابل رشد سریع صنعتی چند شهر شکل گرفت و در هلند نیز تفاوت‌های منطقه‌ای بین شهرهای صنعتی و بندرهای معروف با دیگر منطقه‌ها زمینه ساز توسعه منطقه‌ای می‌باشند (معصومی اشکوری، ۱۳۸۲: ۱۰۰-۹۹). در مطالعه‌ای که اتحادیه اروپا برای سنجش نابرابری‌های منطقه‌ای در پرتغال انجام داد به بررسی سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی مناطق این کشور پرداخته است و شش زمینه جمعیتی، اقتصادی، بهداشتی، آموزش، فرهنگ و اشتغال تعیین و برای هر یک شاخص‌هایی معین شد (Soares et al., 2003).

در مطالعه ازسلان و دیگران در ترکیه در سال ۲۰۰۶ از پنجاه و هشت شاخص اجتماعی-اقتصادی استفاده شد و در ده طبقه تقسیم گردید که عبارتند از شاخص‌های جمعیتی، اشتغال، آموزش، بهداشت، صنعت، کشاورزی، ساخت و ساز، مالی، زیرساخت و سایر شاخص‌ها (Ozaslan et al., 2006). مدل مفهومی که در بررسی پدیده نابرابری‌های منطقه‌ای در لهستان مورد استفاده قرار گرفته ۶ محور را برای بررسی این پدیده مورد توجه قرار داده است کته عبارتند از: ساختار اقتصادی، نوآوری، محیط طبیعی، مسائل اجتماعی، سرمایه انسانی و دسترسی. سپس با در نظر گرفتن موضوعات ذیل هر محور، شاخص‌های نابرابری‌های منطقه‌ای استخراج شده است (Bak et al., 2009). عواملی که کوچرائر و دیگران در بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای جمهوری چک به کار برده‌اند سه بُعد اجتماعی، اقتصادی و فضایی برای این پدیده در نظر گرفته شده است که با تعیین موضوعات ذیل هر بُعد، شاخص‌های نابرابری منطقه‌ای را استخراج شده‌اند (Kutscher Auer et al., 2010:8). در ایران، نیز توسعه در شکل مدرن آن به لحاظ فضایی از آغاز به صورت فرآیندی ناموزون آغاز شد، بنابراین پیشینه ناموزونی‌های توسعه منطقه‌ای را در ایران باید در تکوین برنامه‌های توسعه ملی جست‌وجو کرد. در پی انقلاب مشروطیت و تحولاتی که برانگیخته از

برخورداری از امکانات طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و منابع بالقوه تفاوت دارند، همواره محققین را بر آن داشته تا با استفاده از آمار و اطلاعات موجود و اتخاذ روش‌ها و تکنیک‌های مناسب به تحلیل این عدم تعادل فضایی پرداخته و به سهم خود روشن‌گر میزان تفاوت‌ها، درجه بندی مناطق از حیث برخورداری‌ها و نهایت شناخت علل و عوامل تفاوت‌ها، درجه بندی و عدم تعادل فضایی باشند (حبیبی و لطفی، ۱۳۸۶: ۴۴۹). بی شک درمورد توسعه منطقه‌ای کشورهای مختلف تجربه‌های متفاوت و ویژه خود را دارند. در کنار رویکردهایی که به تحلیل پدیده نابرابری‌های منطقه‌ای در طول زمان و تحلیل روند کاهشی و افزایشی آن می‌پردازند و اغلب بر معیارهای اقتصادی تأکید می‌کنند، بسیاری از مطالعات تجربی بر سنجش سطح توسعه مناطق و میزان نابرابری بین آن‌ها از منظر شاخص‌ها و متغیرهای متنوع در یک مقطع زمانی خاص متمرکز شده‌اند و به قیاس نابرابری بین مناطق می‌پردازند. شناسایی نابرابری‌های منطقه‌ای از اهمیت بسزایی برخوردار است به طوری که در اسناد فرادستی بسیاری، در سطح بین‌المللی آن را مورد توجه قرار داده‌اند. مواد یکصد و پنجاه هشت و یکصد و شصت و معاهده تأسیس اتحادیه اروپا، رسیدن به انسجام اقتصادی و اجتماعی از طریق کاهش شکاف‌های منطقه‌ای را به عنوان هدف اساسی اتحادیه اروپا معرفی می‌کنند (Ekins and Medhurst, 2006). در ایالات متحده آمریکا نیز برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای شکل‌های مختلف داشته است. از سال ۱۹۳۳ تا پایان جنگ جهانی دوم، بیشتر تأکید بر توسعه منابع آب و تخصیص عادلانه این منابع داشته (برنامه عمران دره تنسی) که رفته رفته با پیشرفت در ابعاد مختلف اقتصاد شهری و گسترش نفوذ شهرها بر نواحی اطراف، توسعه منطقه‌ای بیشتر جنبه توسعه شهری به خود گرفت. در مجموع در آمریکا، توسعه منطقه‌ای بیشتر توجه به منطقه‌های تحت فشار دارد. این ناحیه‌ها، یا ناحیه‌های رشد یافته و صنعتی هستند و یا منطقه‌ای در حال رشد و یا عقب مانده که در آن کشور کم یافت می

کافی، از جمله این سیاست‌ها بود. قطب‌های جدید کشاورزی و صنعتی در استان‌های مرکزی (شامل تهران، اصفهان و خراسان) و در درجه دوم در استان‌های گلستان و کرمانشاه مدنظر قرار گرفت. در برنامه پنجم نیز توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای در شرایط اجتماعی استان‌ها انعکاس می‌یافت و تاکید بر ایجاد خدمات اجتماعی و اشتغال مورد نظر بود. سیاست جدید توسعه منطقه‌ای توجه زیادتری به کشاورزی و سرمایه‌گذاری در مناطق توسعه نیافته مبذول می‌داشت، اما متأسفانه سیاست‌های رفع تفاوت‌های منطقه‌ای در یک نظام تمرکزگرای شدید، تاکنون کارآیی چندانی نداشته است (معصومی اشکوری، ۱۳۸۲: ۱۲۵). بر اساس مطالعات انجام شده وجود نابرابری بین استان‌های کشور، به خصوص در مقایسه با تهران کاملاً مشهود است (طباطبایی، ۱۳۸۶؛ بختیاری، ۱۳۸۱؛ امیراحمدی، ۱۳۷۵). از جمله عواملی که موجب بروز نابرابری میان استان‌های کشوری می‌شوند می‌توان به تمرکزگرایی شدید، نابرابری در فرصت‌ها، سرمایه فیزیکی، انسانی و فواید رشد جمعیت، درجه باز بودن اقتصادی، ساختار صنعتی، ویژگی‌های جغرافیایی استان‌ها و دسترسی به دریا به عنوان مزیتی برای حمل و نقل و تجارت اشاره کرد، همچنین فاصله از مرکز (تهران) نیز به عنوان یک عامل اثرگذار غیرقابل انکار بر توسعه استان‌ها شناسایی شده است (محمودزاده، ۱۳۹۱؛ زیاری و همکاران، ۱۳۸۹؛ اسدی، ۱۳۶۹).

در تحقیق حاضر برای تحلیل عدم تعادل‌های منطقه‌ای به عنوان مطالعه موردی استان گلستان واقع در منطقه ساحلی شمال یعنی منطقه‌ای که در شمال رشته کوه‌های البرز و در جنوب و غرب و شرق دریای خزر قرار دارد و اینک از سه استان گیلان، مازندران و گلستان تشکیل شده و بیش از هفت هزار و ششصد کیلومتر مربع مساحت استان‌های واقع در آن در محدوده ساحلی قرار دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. ساحل کرانه دریای خزر علیرغم برخورداری از مزیت‌هایی چون منابع کشاورزی، گردشگری و کانون جمعیتی و سکونتی دارای مشکلات عدیده‌ای نیز

خواست مردم در جبران فاصله عقب‌ماندگی از ملل مترقی جهان بود و همچنین با احساس خطر از گسترش انقلاب روسیه به ایران، زمینه مساعد برای ایجاد حکومتی متمرکز و مقتدر با حمایت تعدادی از کشورهای خارجی فراهم شد و با استقرار دولت شبیه نوگرای رضاشاه، اشاعه و حمایت از سرمایه‌داری نوین در کشور فراگیر شد، بنابراین قدرت مرکزی با به‌کارگیری دیوان‌سالاری نوین و ارتش جدید به سرکوب قدرت‌های منطقه‌ای و یکپارچگی بازار ملی اهتمام ورزید که پیامد آن نظام اداره جدید بر مبنای انتصاب مسئولان مناطق کشور (استان‌ها) توسط مرکز و تکیه بر سازمان‌های بخشی به جای سازمان‌های منطقه‌ای بود. بررسی توسعه یافتگی فضاهای سیاسی - اداری کشور طی برنامه‌های اول تا سوم توسعه بعد از انقلاب اسلامی نیز نشان می‌دهد شتاب توسعه (میزان تغییر درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور در سال پایانی برنامه توسعه نسبت به سال ابتدایی همان برنامه)، در همه استان‌های کشور مثبت نبوده است. به طوری که درجه توسعه یافتگی دو استان (سیستان و بلوچستان و چهارمحال و بختیاری) در برنامه اول، پانزده استان (آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، ایلام، تهران، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، زنجان، سمنان، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد، لرستان، گلستان، هرمزگان و همدان) در برنامه دوم و هفده استان (آذربایجان غربی، اصفهان، ایلام، تهران، خراسان، خوزستان، زنجان، سمنان، قم، کردستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد، لرستان، گلستان، هرمزگان و همدان) در برنامه سوم، در سال پایان برنامه نسبت به سال آغاز آن وضعیت بدتری دارد (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۶). در برنامه چهارم عمرانی، شکاف فرآیند توسعه میان استان‌ها و اثرات سیاسی نامطلوب آن، دولت را وادار نمود تا به پدیده توسعه متعادل منطقه‌ای توجه نماید. ایجاد نهادهای غیرمتمرکز اجرایی و تصمیم‌گیری محلی در استان‌ها و نیز سرمایه‌گذاری برای ایجاد و توسعه قطب‌های رشد بزرگ مقیاس کشاورزی و صنعتی در استان‌های توسعه یافته و ناحیه‌های دارای منابع

نزدیکی به مراکز تصمیم‌گیری، دلایل سیاسی، موقعیت تاریخی و... (امی احمدی، ۱۳۷۵: ۶۵). هیلهورست<sup>۴</sup> نیز معتقد است عواملی همچون نابرابری مناطق با یکدیگر، توزیع فضایی منابع و استعدادهای بالقوه طبیعی در منطقه، اندازه نسبت ناحیه‌ای که از دید بوم‌شناختی از بهترین استعداد در منطقه برخوردار است در سنجش با سراسر فضای منطقه، شمار کارکردهای مبتنی بر منابع صادراتی منطقه در نظام کلی تر و درجه تمرکز، در نظام تصمیم‌گیری منطقه تأثیر می‌گذارد (ویسی، ۱۳۸۹: ۵۱). در ضمن توسعه از طریق ابعاد متعدد خود، سرمایه اجتماعی را محقق ساخته و سرمایه اجتماعی نیز زمینه ایجاد توسعه پایدار را فراهم می‌سازد (اسماعیل زاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۳). تعادل منطقه‌ای با استفاده از اصول زیر امکان پذیر است:

\* توزیع عادلانه / منصفانه فضای توسعه در جهت عدالت اجتماعی.

\* ساماندهی فضای توسعه در جهت کارائی و رفع آشفتگی‌ها (تداخل، تباین، و همپوشی).

\* حفاظت منابع و محیط زیست، ایجاد تعادل اکولوژیک.

\* یکپارچگی سرمایه‌های موجد توسعه در قلمروهای مشخص بنا بر مزیت‌های نسبی و در تناسب با قلمروهای پیرامون (کاظمیان، ۱۳۹۴).

#### روش تحقیق

این تحقیق از نظرهدف، کاربردی و توسعه‌ای و از نظر روش تحقیق ترکیبی از روش‌های اسنادی و پیمایشی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش پرسش‌نامه و تکنیک‌های دلفی استفاده شده و پرسش‌نامه‌ها فقط از متخصصین توسعه و برنامه‌ریزی که به مسائل توسعه‌ای احاطه دارند در دو مرحله تکمیل شده تا دقیقاً عوامل موثر در تحلیل نابرابری‌های ناحیه‌ای استان گلستان مشخص گردند. در مرحله اول پرسش اصلی تحقیق یعنی عوامل موثر در ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای استان گلستان

هست. در این تحقیق، عوامل موثر در ایجاد نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان گلستان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و راهکارهای عملیاتی موضوعی و موضعی برای کاهش آنها پیشنهاد می‌گردد.

#### مفاهیم دیدگاه‌ها و مبانی نظری

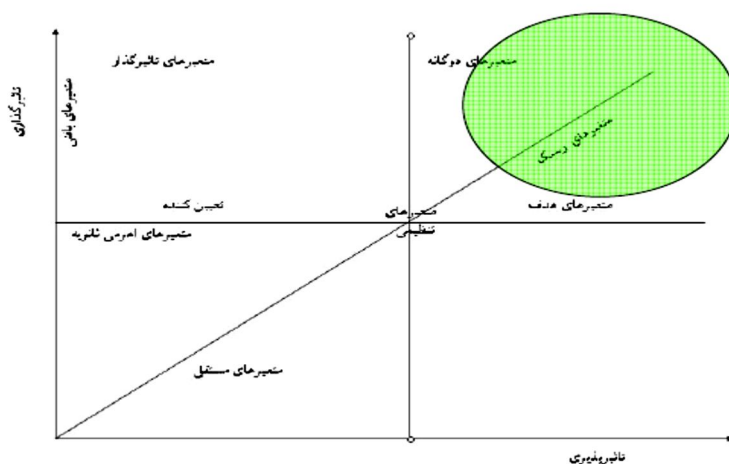
تلقی جدید از مفهوم توسعه، فرآیندی همه جانبه است که به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه معطوف است (سعیدی، ۱۳۷۷). مقصود از تعادل<sup>۱</sup> رسیدن به یکنواختی و همگنی<sup>۲</sup> کامل در توسعه منطقه‌ای نیست. بلکه منظور تنظیم ساختار فضایی - عملکردی بهینه‌ای است که باعث ایجاد فرصت‌های مناسب برای مناطق مختلف کشور در بهره‌گیری از پتانسیل‌های خود و دستیابی به حداقلی از امکانات رشد و توسعه ملی شود. (شیخی، ۱۳۷۶: ۱۸۳) نابرابری‌های منطقه‌ای به معنای عدم تعادل در ساختار فضایی مناطق است و خود را در شرایط متفاوت زندگی، نابرابری‌های اقتصادی و سطح توسعه یافتگی نشان می‌دهد (Kutscherauer et al., 2010). وجود تفاوت‌های منطقه‌ای به تسلط برخی مناطق به مناطق پیرامون آن‌ها منجر می‌شود و موجب ایجاد چالش‌های سیاسی و اقتصادی بسیاری در کشورهای در حال توسعه می‌گردد (Kim, 2008). در همین جا لازم به یادآوری است که منظور از توسعه عادلانه در کشورهای کمتر توسعه یافته برابری کامل در مصرف یا استانداردهای زندگی نیست، بلکه کاهش شکاف‌های به شدت بزرگ میان افراد مختلف، گروه‌ها و مناطق مختلف است (کلمن و نیکسون، ۱۳۷۸: ۹۰). اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و جامعه‌شناسان تاریخی درباره عوامل توسعه و نابرابری در توسعه مناطق، دیدگاه‌های گوناگونی عرضه کرده و کوشیده‌اند که به علت نا همگونی برخی از جوامع در پیشرفت دست یابند. میردال<sup>۳</sup> دلایل نبود تعادل و نابرابری‌های منطقه‌ای را چنین بر می‌شمرد: نوع و چگونگی و میزان منابع هر منطقه، میزان فاصله هر منطقه از مرکز،

1. Regional Equilibrium
2. Equity
3. Myrdal

4. Hillhurst

کلیدی استفاده شد. نرم افزار MICMAC به منظور سهولت انجام تحلیل ساختاری طراحی شده است که مخفف فرانسوی "ماتریس ضرایب تحلیل اثر متقاطع به منظور طبقه‌بندی" است (Godet, 2003, P185). از احصای خروجی‌های نرم افزار و بررسی سازگاری ماتریس، متغیرهای بدست آمده، موثرترین عوامل در تحقیق به‌عنوان پاسخ بهینه قطعی مسئله و مبنایی برای سنجش عملکرد روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه محسوب می‌شود. شایان ذکر است از خروجی ماتریس تاثیرات مستقیم عوامل کلیدی بشرح نمودار شماره یک استخراج می‌گردند (Godet, 2003: P22).

چيست؟ مطرح و براساس روش دلفی اطلاعات لازم جمع‌آوری گردید. در مرحله دوم عوامل شناسایی شده در مرحله اول و نیز عوامل احصاء شده از مبنایی نظری تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و اصلی ترین عوامل جمع بندی شد. سپس میزان تأثیر عوامل بر همدیگر از عدد صفر تا سه (بدون تأثیر تا تأثیر زیاد) با استفاده از نظرات تصمیم‌گیران و متخصصان در پانل تخصصی در ماتریس تاثیرات متقاطع عوامل موثر در ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای استان گلستان وارد گردید و برای تحلیل درون داده‌ها، این ماتریس در نرم افزار MICMAC جهت تحلیل و شناسایی عوامل موثر و

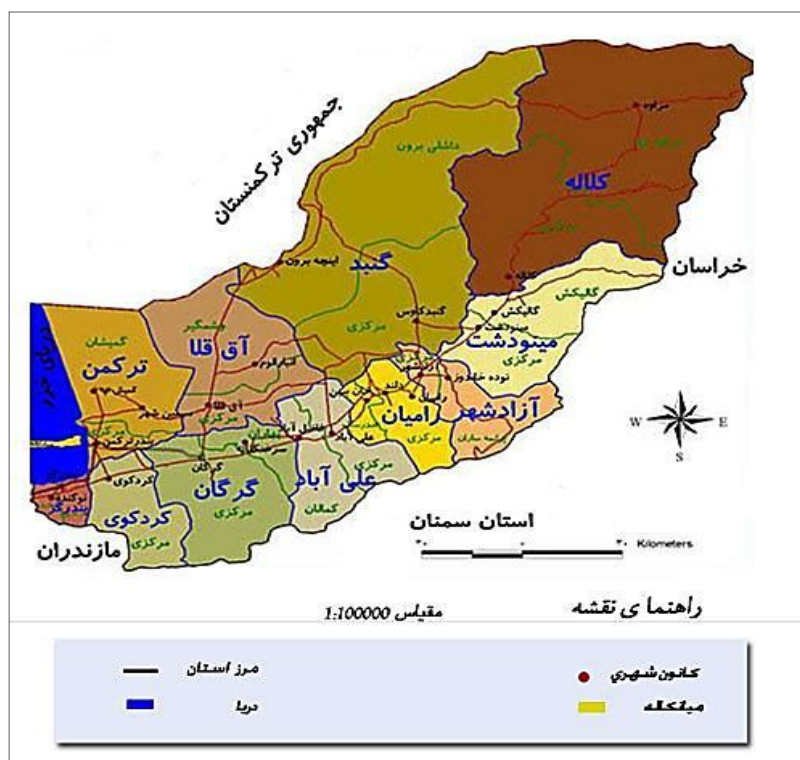


نمودار ۱: وضعیت و موقعیت متغیرهای ریسک (کلیدی) در تحلیل MICMAC

گلستان قریب به ۱,۳ درصد از مساحت کل کشور بوده و از نظر وسعت بیست و چهارمین رتبه را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است. بیشترین وسعت استان را اراضی جلگه‌ای و دشت کوهپایه‌ای تشکیل می‌دهند. قلمرو استان گلستان بین رشته کوه‌های البرز، دشت‌های جنوبی کشور ترکمنستان، کوه‌های استان خراسان جنوبی و دریای خزر واقع شده است (گزارش توسعه استان گلستان، ۱۳۹۳).

#### محدوده مورد مطالعه

استان گلستان در سال ۱۳۷۶ از استان مازندران جدا شد. نام گلستان از چشم اندازه‌های طبیعی و بکر استان و همچنین از پارک ملی گلستان گرفته شده است. استان گلستان با مساحت ۲۰۴۳۰,۹۲ کیلومتر مربع در شمال شرقی ایران قرار گرفته که از شمال به کشور ترکمنستان، از جنوب به استان سمنان، از شرق به استان خراسان شمالی و از غرب به دریای خزر و استان مازندران محدود می‌شود. مساحت استان



نقشه ۱: موقعیت استان گلستان و تقسیمات سیاسی آن

نقش ملی و فراملی استان به دلیل قرارگیری در مسیر کریدور بین‌المللی شمال - جنوب و نیز تقاطع راه‌های شمالی - جنوبی و شرقی - غربی کشور و همچنین اتصال به شبکه ریلی ملی، وجود صنایع بزرگ و پتانسیل‌های معدنی و صنعتی ویژه، بسیار حساس و تعیین کننده است. سهم درآمدهای گردشگری در استان گلستان علی‌رغم جاذبه‌ها و پتانسیل‌های فراوان گردشگری از جمله دارابودن تنها جزیره ایرانی در دریای خزر و یکصد و بیست کیلومتر نوار ساحلی و بسیاری دیگر از جاذبه‌های ناب گردشگری، به دلیل فقدان زیرساخت‌های لازم، نسبت به کل کشور بسیار پایین است. در جداول یک و دو به صورت اجمالی برخی از شاخص‌های استان گلستان در مقایسه با کشور مشاهده می‌شود.

## بحث اصلی

**سازمان فضایی استان گلستان و شناخت وضع موجود براساس مطالعات فرادست:** بر اساس سرشماری جمعیت کشور در سال ۱۳۹۰، جمعیت استان گلستان ۱۷۷۷۰۱۴ نفر بوده است که نسبت به جمعیت استان در سرشماری ۱۳۸۵ سالیانه ۱٫۹ درصد رشد داشته است. پرجمعیت‌ترین شهرستان استان بعد از شهرستان گرگان، شهرستان گنبدکاووس و کم‌جمعیت‌ترین آن شهرستان بندرگز می‌باشد. طبق سرشماری یادشده پنجاه و یک درصد از جمعیت استان در مناطق شهری و چهل و نه درصد در مناطق روستایی ساکن هستند. شبکه‌های ارتباطی استان گلستان، به دلیل موقعیت ویژه و استراتژیک جغرافیایی و همجواری آن با کشور ترکمنستان و سواحل شرقی دریای خزر، در زمره مهم‌ترین شبکه‌های ارتباطی کشور محسوب می‌گردند.

جدول ۱: شاخص‌های اقتصادی استان گلستان و مقایسه آن با متوسط کشوری

رتبه استان	متوسط کشوری	مقادیر	سال	شاخص‌های اقتصادی
۱۳	۳۷,۶	۳۸,۶	۱۳۹۲	نرخ مشارکت اقتصادی در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر
۱	۱۰,۳	۵,۸	۱۳۹۲	نرخ بیکاری ۱۰ ساله و بیشتر
۳۰	۶۶۶۵۳	۳۹۶۳۲	۱۳۹۰	درآمد سرانه بدون نفت (هزار ریال)
۲۶	۱۲۴۴۶	۲۹۴۴	۱۳۹۰	سرانه ارزش افزوده بخش صنعت و معدن (هزار ریال)
۱۴	۶۶۳۰	۸۰۵۷	۱۳۹۰	سرانه ارزش افزوده بخش کشاورزی (هزار ریال)
۲۸	۴۹۷۲۷	۲۸۱۳۲	۱۳۹۰	سرانه ارزش افزوده بخش خدمات (هزار ریال)
۲۶	۲۹۸۲	۱۵۶۷	۱۳۹۱	سرانه درآمد کوششی شهرداری‌ها (هزارریال)
۲۹	۴۳۵	۷۶	۱۳۹۰	سرانه درآمد مالیات بر ارزش افزوده (هزار ریال)

ماخذ: سالنامه آماری سال‌های مختلف و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان، ۱۳۹۴

جدول ۲: شاخص‌های زیربنایی استان گلستان و مقایسه با متوسط کشوری

رتبه استان	متوسط کشوری	مقادیر	سال	شاخص‌های زیربنایی
۱۹	۹۱,۶	۹۳,۶	۱۳۸۹	نسبت جمعیت روستایی تحت پوشش شبکه آب آشامیدنی بهداشتی از کل جمعیت
	۱۳,۳۷	۲۱,۷۷	۱۳۹۳	تراکم نسبی راه
۶	۲۱,۴	۴۴,۶	۱۳۸۸	نسبت جمعیت روستایی بهره‌مند از تاسیسات گاز خانگی
۲۸	۳۵,۱	۹,۸	۱۳۸۹	نسبت جمعیت تحت پوشش شبکه فاضلاب شهری از کل جمعیت شهری
۹	۵۱	۶۶	۱۳۹۱	نسبت راه روستایی آسفالت به کل راه روستایی

ماخذ: سالنامه آماری سال‌های مختلف و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گلستان، ۱۳۹۴

- وجود منابع آب‌های سطحی دائمی و زیرزمینی جهت تأمین آب شرب و مصارف کشاورزی و صنعتی.
  - برخورداری از اکوسیستم‌های منحصربه‌فرد خلیج گرگان، تالاب‌های بین‌المللی و پارک ملی گلستان.
  - برخورداری از تنوع اقلیمی و قابلیت‌های برجسته و متعدد طبیعی گردشگری (جلگه، دشت، کوهستان، دریا، سواحل و...) نظیر پارک ملی گلستان، جزیره آشوراده، تالاب‌های بین‌المللی، آبشارها، پارک‌های جنگلی، منطقه جهان نما و مرکزیت ورزش‌های سوارکاری و کبدي در کشور.
  - وجود ذخایر فراوان معدنی نظیر ذغال سنگ آزاد شهر، رامیان و مینودشت، سنگ آهک کلاله مارن چناران و صدف کوهی رو باز گنبد و کلاله.
  - وجود منابع آب‌های سطحی دائمی و زیرزمینی جهت تأمین آب شرب و مصارف کشاورزی و صنعتی.
  - در بررسی‌های انجام شده و با استفاده از اسناد فرادست استان و مراجعه به متولیان امر در استان گلستان اصلی‌ترین قابلیت‌ها و تنگناهای توسعه استان گلستان به شرح زیر احصا گردیده است:
- اصلی‌ترین قابلیت‌های توسعه استان**
- استقرار در مسیر ترانزیتی و امکان دسترسی به کریدورهای بین‌المللی حمل و نقل و بازارهای آسیای میانه.
  - تنوع زیستگاهی و تنوع زیستی منحصر به فرد و وجود تنوع اقلیمی، اکولوژیکی و خاک جهت توسعه فعالیت‌های کشاورزی و تنوع محصولات آن به ویژه گندم، گیاهان دارویی، پنبه، دانه‌های روغنی، باغی، دام و طیور و نوغانداری.
  - موقعیت ممتاز طبیعی، جغرافیایی و قابلیت‌های متنوع در نواحی کوهستانی، جنگلی برای توسعه گردشگری و اکوتوریسم.

• کمبود زیربناها و زیرساخت‌های متناسب باتوسعه استان به ویژه در بخش‌های شبکه حمل و نقل (زمینی، هوایی و دریایی).

در مجموع بر اساس مباحث طرح شده در میانی نظری، اسناد فرادستی چون نظریه پایه توسعه استان و مطالعات آمایش استان گلستان و نیز نتایج حاصله از روش دلفی و جمع‌بندی نظرات صاحب نظران و خبرگان، موضوع تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای در استان گلستان متأثر از این عوامل شناخته شد.

**عوامل محیطی:** در استان گلستان آنچه از توزیع فضایی سکونتگاه‌های شهری استان مشاهده می‌شود، این که شهرها در محدوده کنونی استان از شکل‌بندی و ساختار فضایی متعادلی از نظر پراکندگی کانون‌های شهری در سطح استان و فواصل شهرها از یکدیگر برخوردار نیستند، به طوری که نواحی شمالی و شمال شرقی استان کاملاً خالی از یک شهر مهم و با اهمیت بوده اما نواحی ساحلی، کوهپایه‌های البرز و جلگه گرگان محل استقرار اکثر سکونتگاه‌های شهری مهم استان است. عمده شهرهای استان گلستان نیز با توجه به موقعیت استان از نظر طبیعی در مناطق جلگه‌ای واقع شده‌اند و در نواحی کوهستانی منتهی به جلگه ساحلی مراکز شهری شکل گرفته‌اند. استان گلستان با توجه به برخورداری از زمین‌های حاصل خیز کشاورزی و نیاز به نیروی کار در بخش کشاورزی و خدمات، در برگیرنده جمعیت قابل ملاحظه‌ای اعم از بومی و غیربومی می‌باشد. لذا، می‌توان در نگاهی کلی ارزیابی نمود که جمعیت استان، در مقایسه با برخی استان‌ها از تراکم بیشتری برخوردار است (آمایش استان گلستان، ۱۳۹۴).

**عوامل انسانی:** در استان گلستان وضعیت موجود حکایت از وضعیت نامتعادل شهری دارد به طوری که شبکه شهری استان فاقد شهر بزرگ و شهر میانی کوچک بوده و عمده شهرهای استان در رده شهرهای کوچک و روستا- شهرها طبقه‌بندی می‌شوند. به طوری که نسبت جمعیتی بین شهر اول استان یعنی گرگان و شهر آخر در سلسله مراتب شهری

• وجود امکانات و ظرفیت‌های ارتباطی مناسب جاده‌ای، ریلی، دریایی و هوایی با سایر نقاط کشور و جمهوری‌های آسیای میانه و اروپا.

• واقع شدن در فواصل مناسب از دو مرکز بزرگ سیاسی و اقتصادی کشور یعنی شهرهای تهران و مشهد.

• توان تبادل انرژی با کشورهای آسیای میانه، برخورداری از شبکه‌های حمل و نقل جاده‌ای، ریلی و دریایی و هوایی پیشینه تاریخی همکاری و تعاون گروهی بین اقوام و مذاهب گوناگون ساکن استان و هم‌زیستی و زندگی صلح‌آمیز اقوام و مذاهب.

### عمده‌ترین تنگناها و محدودیت‌های توسعه استان بر اساس اسناد توسعه

• واقع شدن استان در مسیر کمربند و گسل زلزله‌خیز کشور، سیل خیز بودن استان و آسیب‌پذیری شدید مراکز زیست و فعالیت در مقابل سوانح طبیعی و نیز بالا بودن ضریب وقوع بلایای طبیعی از جمله سیل، رانش زمین، بالآمدن آب دریا، زلزله، آتش‌سوزی جنگل‌ها و خشکسالی.

• پایین بودن ضریب بهره‌برداری از آب‌های سطحی به دلیل کمبود تأسیسات و زیرساخت‌های مهار و ذخیره‌سازی آب.

• حساس بودن شرایط زیست محیطی استان، تخریب منابع طبیعی (آب، جنگل، مرتع)، عدم تعادل ظرفیت مراتع و دام، افزایش محدودیت‌های طبیعی (اقلیم خشک، خاک شورقلیایی و کمبود، فزاینده منابع آب) و خطر گسترش نواحی نیمه بیابانی و بیابانی به ویژه در بخش شمالی استان.

• عدم تعادل و توازن در سطح توسعه یافتگی استان و شکاف درآمدی عظیم بین نواحی مختلف آن.

• کمبود تأسیسات و زیرساخت‌های گردشگری.

• غالب بودن شیوه سنتی تولید کشاورزی و دام و طیور در سطح استان.



گرایش به سمت قطبی شدن آن نیز از عوامل مدیریتی دخیل در عدم تعادل‌های منطقه است. داده‌های موجود در استان گلستان نیز نشان از وضعیت نامتعادل شهری دارد، همچنین، از نظر وضعیت شهری شهرهای استان در سطح دو قرار داشته و در سطح سه این طبقه‌بندی نیز تنها یک شهر در هررده وجود دارد، لذا، الگوی نخست شهری و ماکروسفالی در استان به سرعت در حال شکل‌گیری می‌باشد. در مجموع عوامل احصا شده در سه بخش و بیست و چهار شاخص به شرح جدول سه و چهار تنظیم شده است.

استان گلستان یعنی آنچه برون بجای بیست و هفت برابر بودن تقریباً ۱۴۴/۴۶ برابر است که نشانه عدم توازن در توزیع فضایی جمعیت می‌باشد. شایان ذکر است که علت اصلی تبدیل شدن اینچه‌برون به شهر، با وجود جمعیت بسیار کم آن ایجاد بازارچه مرزی در آن است (مطالعات آمایش استان گلستان، ۱۳۹۴).

**عوامل مدیریتی و برنامه‌ریزی:** نابرابری جغرافیایی در نظام شهری و خدماتی استان، توزیع نامتناسب فضایی جمعیت، امکانات زیر ساختی و فعالیت‌ها و

جدول ۳: تعداد و گروه بندی عوامل موثر در ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای استان گلستان

ردیف	طبقه‌بندی شاخص‌ها	تعداد شاخص‌های زیرمجموعه
۱	شاخص‌های محیطی	۱۱
۲	شاخص‌های انسانی	۶
۳	عوامل مدیریتی و برنامه‌ریزی	۷
	جمع	۲۴

ماخذ: نگارنده

جدول ۴: عناوین متغیرهای موثر و دسته‌بندی آنها در تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای

موضوع	متغیرهای نهایی	موضوع	متغیرهای نهایی
محیطی	دسترسی مستقیم به دریا	انسانی	اثرات تراکم جمعیتی بر منابع سرزمین
	اکوسیستم‌های حساس و باارزش		رشد شهرنشین (ضریب شهرنشینی)
	محدودیت زمین		تنوع قومیتی و فرهنگی
	تعامل فضایی ناحیه جلگه و کوهستان		مهاجرت
	قابلیت‌های محیطی		اقتصاد سیاسی در تخصیص منابع
	آلودگی‌های زیست محیطی	نظام برنامه‌ریزی	همگرایی و واگرایی قومی
	استفاده از انرژی‌های نو		قطب‌های رشد
	جاذبه‌های توریستی		نظام تک شهری (نخست شهری)
	قرار گرفتن در مسیر کریدورهای بین‌المللی		نظام توزیع جغرافیایی منابع
	وجود مناطق و بنادر آزاد		توسعه تک بعدی از منظر فضایی
تنوع و گوناگونی بستر جغرافیایی (تنوع توپوگرافیک)		گرایش‌های صنعتی	
		مزیت‌های رقابتی	
		تعامل عملکرد اقتصادی در ورای مناطق پیرامونی	

ماخذ: جمع‌آوری اطلاعات توسط نگارنده

ابعاد ماتریس  $24 \times 24$  است که در سه بخش مختلف تنظیم شده است. ماتریس تحلیل اثرات و میزان ارتباط میان این متغیرها با حوزه مربوطه توسط خبرگان، تشخیص داده می‌شود. متغیرهای موجود در سطرها بر متغیرهای موجود در ستون‌ها تأثیر می‌گذارند. پس بدین ترتیب متغیرهای سطرها، تأثیرگذار و متغیرهای ستون‌ها، تأثیرپذیر می‌باشند.

در مرحله بعد با توجه به متغیرهای جدول ۴، ماتریس متقاطع آنها را تشکیل و در پانل‌ها و نشست‌های تخصصی با حضور مسئولان و کارشناسان آشنا به امر توسعه و برنامه‌ریزی در استان اثرات متقابل آنها شناسایی و ماتریس متقاطع با نرم‌افزار میک جهت استخراج عوامل اصلی تأثیرگذار بر عدم تعادل‌های منطقه‌ای مورد تحلیل قرار گرفتند.

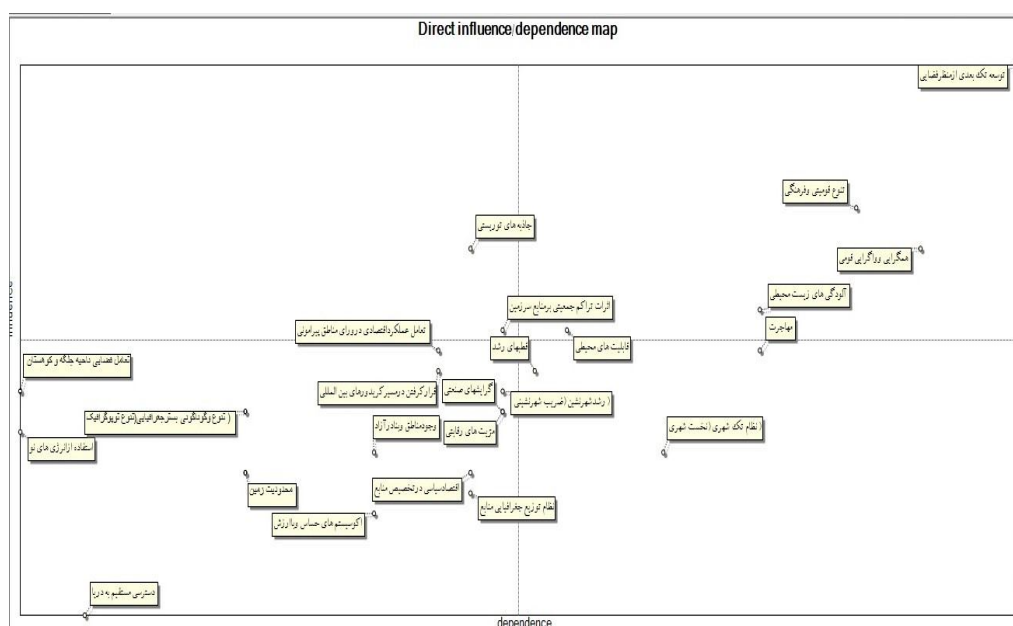
عوامل تأثیرگذار با درجه بالا در منتهی الیه نمودار در سمت شمال غربی کم خواهد بود زیرا این محل بیشتر در سیستم‌های پایدار دارای متغیرهایی است (شکل یک).

با این حال یک عامل در نزدیکی این منطقه نشان داده می‌شوند که حاکی از توان تأثیرگذاری کلان آنها بر کل سیستم است. باتوجه به موقعیت و ویژگی‌های منطقه (جاذبه‌های توریستی) جنگل‌های زیبا و جذاب گلستان با مناظر و چشم اندازهای بسیار زیبای دره‌ها و کوه‌های جنگلی، رودخانه‌ها، چشمه سارها، فضاهای روستایی ویژه منحصر به فرد، قابلیت‌های مهم توریستی - جنگلی را به نمایش گذاشته است. همجواری این مجموعه جنگلی با دشت‌ها و کوهستان‌های شرقی مازندران، ویژه گی‌های جهانگردی کم نظیری به آن بخشیده که در صورت دسترسی و ایجاد امکانات صحرائی، بخش عظیمی از نیازهای تفریحی و گذران اوقات فراغت استان‌های هم جوار از جمله استان سمنان و خراسان و مسافران گذری را پاسخ خواهد گفت. این ویژگی منحصر بفرد، قطعاً می‌تواند به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در تعادل بخشی یا ایجاد و خلق عدم تعادل‌های منطقه‌ای نقش به مراتب بالایی را ایفا می‌کند.

سپس میزان ارتباط، با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود. عدد «صفر» به منزله «بدون تأثیر»، عدد «یک» به منزله «تأثیر ضعیف»، عدد «دو» به منزله «تأثیر متوسط» و در نهایت عدد «سه» به منزله «تأثیر زیاد» می‌باشند.

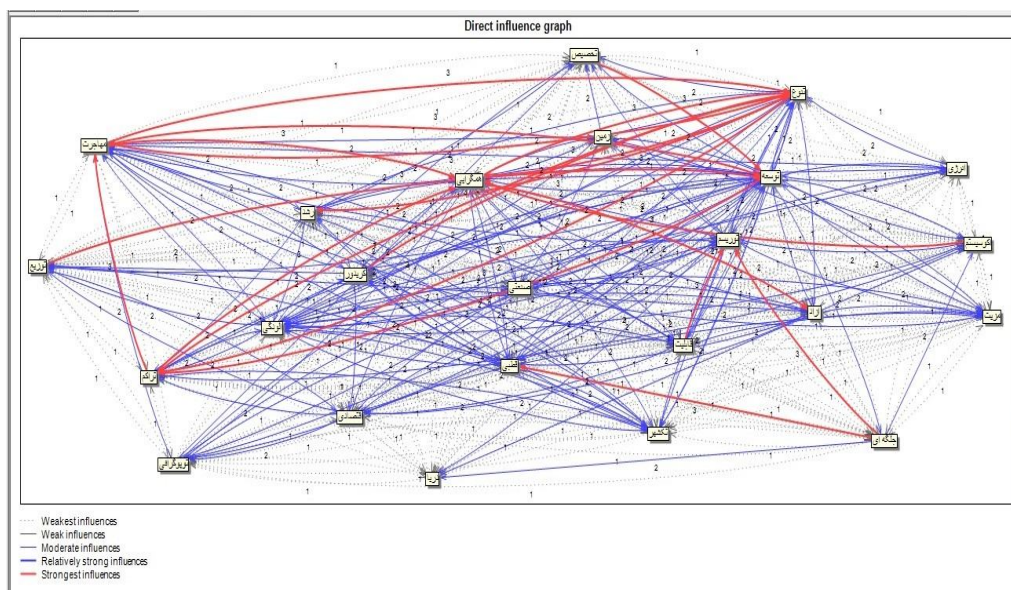
نتایج تحلیل با نرم افزار MICMAC نشان داد درجه پرشدگی ماتریس ۸۲,۴۶ درصد است که نشان می‌دهد عوامل انتخاب شده تأثیر زیاد و پراکنده‌ای بر همدیگر داشته‌اند و در واقع سیستم از وضعیت ناپایداری برخوردار بوده است. از مجموع ۴۷۵ رابطه قابل ارزیابی در این ماتریس، ۱۰۱ رابطه عدد صفر بوده که به این معنی است عوامل بر همدیگر تأثیر نداشته یا از همدیگر تأثیر نپذیرفته‌اند که این تعداد نزدیک به ۲۱,۲۶ درصد کل حجم ماتریس را به خود اختصاص داده است. از طرف دیگر ماتریس بر اساس شاخص‌های آماری با دو بار چرخش داده‌ای از مطلوبیت و بهینه شدگی صد درصد برخوردار بوده که حاکی از روایی بالای پرسشنامه و پاسخ‌های آن است.

**تحلیل محیط سیستم و ارزیابی تأثیر پذیری و تأثیرگذاری متغیرها در استان گلستان: خروجی نرم افزار MICMAC نشان می‌دهد با توجه به شناسایی سیستم به عنوان سیستم ناپایدار، وجود**



شکل ۱: ماتریس پراکنده‌گی متغیرها و جایگاه آنها در محور تأثیرگذاری - تأثیر پذیری در استان گلستان

(ماخذ: خروجی تحلیل با نرم افزار MICMAC، نگارنده)



شکل ۲: گراف روابط مستقیم بین متغیرها - استان گلستان  
(ماخذ: خروجی تحلیل با نرم افزار MICMAC، نگارنده)

مطابق برنامه و هدف خود دست یافت. متغیرهای این گروه عبارتند از: آلودگی‌های زیست محیطی - همگرایی و واگرایی قومی - قابلیت‌های محیطی. - متغیرهای تأثیرپذیر هم در قسمت جنوب شرقی نمودار قرار دارند و می‌توان آنها را متغیرهای نتیجه نیز نامید. این متغیرها از تأثیرپذیری بسیار پایین در سیستم برخوردار هستند که در نمودار خروجی استان گلستان شامل دو متغیر مهاجرت و نظام تک شهری می‌باشد. آنچه که از این متغیرها می‌توان برداشت کرد اختصاص آنها به مسائل اجتماعی و برنامه ریزی است. دو مقوله مهم و قابل اعتنای استان که میان شاخص‌های نتیجه به چشم می‌خورد یکی مشکل مهاجر پذیری است که معضلات زیادی را در منطقه باعث گردیده و دیگری نظام تک شهری است که سبب بروز عدم تعادل بین شهر نخست یعنی گرگان و دیگر شهرها گردیده و ناهمگونی ساختاری و فضایی از این منظر را در استان موجب شده است.

- متغیرهای مستقل دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایینی هستند. این متغیرها در قسمت

با استفاده از خروجی نرم‌افزار MICMAC در شکل شماره یک می‌توان متغیرهای دو وجهی را که دارای ویژگی مشترک تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری بالا هستند شناسایی کرد. این متغیرها در سمت شمال شرقی نمودار دیده می‌شوند که آنها را می‌توان به دودسته متغیرهای ریسک و متغیرهای هدف تقسیم‌بندی کرد. از مجموع بیست و چهار متغیر، هجده متغیر در این گروه قرار دارند که عمدتاً متغیرهای مربوط به مسائل برنامه‌ریزی و مدیریتی و چند مورد از عوامل محیطی و کالبدی و اقتصادی را شامل می‌گردد.

متغیرهای ریسک در نمودار حول و حوش خط قطری ناحیه شمال شرقی نمودار قرار دارند و ظرفیت بسیار بالایی جهت تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم را دارا هستند از جمله این متغیرها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تنوع قومیتی و فرهنگی - توسعه تک بُعدی از منظر فضایی.

- متغیرهای هدف نیز زیر ناحیه قطری شمال شرقی صفحه قرار دارند این متغیرها در واقع نتایج تکاملی سیستم بوده و نمایانگر اهداف ممکن در یک سیستم هستند. با دست کاری و ایجاد تغییرات در این متغیرها می‌توان به تکامل سیستم

جنوب‌غربی نمودار قرار دارند. با توجه به ماهیت ناپایداری سیستم، به نظر می‌رسد بخشی از این متغیرها در این قسمت از صفحه دارای ماهیت خروجی سیستم هستند و باید به نوعی آنها را متغیرهای خروجی مستقل نامید. گرایش‌های صنعتی - تعامل عملکرد اقتصادی در ورای پیرامونی و سایر عوامل در این قسمت آمده‌اند. متغیرهای مستقل را می‌توان به دو دسته متغیرهای مستقل از سیستم و متغیرهای مستقل نتیجه سیستم تقسیم کرد. متغیرهای گروه اول شامل عوامل محیطی هستند. متغیرهای دسته دوم را می‌توان اکثراً مسائل محیطی مختص ناحیه شمال از جمله دسترسی به دریا و اکوسیستم‌های منطقه و محدودیت زمین و... دانست

در نهایت متغیرهای تنظیمی هم در نزدیکی مرکز نقل نمودار قرار دارند، در واقع این متغیرها حالت تنظیمی داشته و گاهی به عنوان اهرمی ثانویه عمل می‌کنند. بستگی به سیاست‌های دولت در خصوص اهداف توسعه، این متغیرها قابل ارتقاء به متغیرهای تأثیرگذار، متغیرهای تعیین کننده و یا متغیرهای هدف و ریسک هستند. از جمله متغیرهای مهمی که در این قسمت نقش ایفای می‌کنند، اثرات تراکم جمعیتی بر منابع و قطب‌های رشد هستند که در این دسته از متغیرها قرار می‌گیرد. با توجه به روابط ماتریس تأثیرگذاری مستقیم در شکل شماره دو، خروجی نرم افزار برای شناسایی عوامل کلیدی در جدول ۵ دیده می‌شود که نشانگر تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم روی متغیرهای تأثیر گذار و تأثیر پذیر است که برای سهولت در تصمیم‌گیری ده عامل رتبه‌های بالاتر در جدول آمده است.

جدول ۵: رتبه‌بندی تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها - استان گلستان

رتبه	عنوان متغیر	میزان تأثیرگذاری مستقیم	عنوان متغیر	میزان تأثیرپذیری مستقیم	عنوان	میزان تأثیرگذاری غیرمستقیم	عنوان متغیر	میزان تأثیرپذیری غیرمستقیم
۱	توسعه	۶۴۹	توسعه	۶۶۴	توسعه	۶۱۳	توسعه	۶۳۸
۲	تنوع	۵۴۳	تنوع	۶۱۹	تنوع	۵۴۷	همگرایی	۶۰۱
۳	توریسم	۵۱۳	توریسم	۵۸۹	توریسم	۵۰۳	تنوع	۵۷۸
۴	همگرایی	۵۱۳	همگرایی	۵۴۳	همگرایی	۵۰۱	آلودگی	۵۳۴
۵	آلودگی	۴۶۸	مهاجرت	۵۴۳	تراکم	۴۶۷	مهاجرت	۵۲۹
۶	قابلیت	۴۵۳	تک شهر	۴۹۸	مهاجرت	۴۶۲	تک شهر	۵۱۲
۷	تراکم	۴۵۳	قابلیت	۴۵۳	آلودگی	۴۵۴	قابلیت	۴۶۲
۸	مهاجرت	۴۳۸	قطبی	۴۳۸	قابلیت	۴۵۰	تراکم	۴۴۶
۹	اقتصادی	۴۳۸	تراکم	۴۲۲	کریدور	۴۲۸	قطبی	۴۳۷
۱۰	کریدور	۴۲۲	رشد	۴۲۲	قطبی	۴۲۷	صنعتی	۴۲۳

ماخذ: خروجی تحلیل با نرم افزار MICMAC، نگارنده

### نتیجه‌گیری

با استفاده از تحلیل نرم افزاری و منتج آن، در استان گلستان توسعه تک بعدی از منظر فضایی از جمله متغیرهایی است که تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن در بالاترین حد ممکن قرار دارد. رشد تک بعدی و ناموزون بافت شهرهای منطقه در استان گلستان، تمرکز زیرساخت‌ها در مرکز استان، تشدید جدایی‌گزینی اجتماعی، از مهم ترین مشکلات

استان گلستان به شمار می‌رود. در واقع توسعه نامطلوب صرفاً در بُعد فضایی - کالبدی، سبب توسعه ناموزون و تک بعدی این منطقه شده که باعث مشکلات متعددی از جمله بروز عدم تعادل‌های منطقه‌ای در این استان خواهد شد. آلودگی‌های زیست محیطی - همگرایی و واگرایی‌های قومی - قابلیت‌های محیطی نیز در این استان از جمله عواملی هستند که باید

شناسایی کلیه عوامل موثر دخیل در ایجاد عدم تعادل در استان گلستان می‌توان نسبت به رفع این چالش‌ها و ارائه راهکارها توجه نمود.

### پیشنهادها

با توجه به شناسایی عوامل موثر در ایجاد نابرابری‌های استان گلستان و مطابق با برنامه چشم‌انداز، این منطقه، ارائه‌کننده اقتصادی چند عملکردی در مقابل اقتصاد تک عملکردی شامل کشاورزی پایدار، گردشگری مبتنی بر ظرفیت‌های محیط، صنعت دوست دار محیط زیست و خدمات مبتنی بر مزیت‌های نسبی استان است. چند عملکردی بودن این تصویر بر لزوم تعریف ساختار فضایی برخوردار از کانون‌های فعالیتی متناسب با این عملکرد تأکید دارد. در این ساختار فضایی کلیه عملکردها به‌ویژه در بخش‌های کشاورزی، صنعت و گردشگری باید متناسب با توان و ظرفیت محیطی استان جانمایی شوند.

بر این اساس، پیشنهادها به خصوص در مطالعات آمایش استان به منظور کاهش عدم تعادل‌های موجود ارائه می‌گردد:

- در راهبرد توسعه فضایی استان، شهر گرگان به‌عنوان یک مرکز ناحیه ای و یک کانون قوی توسعه با حوزه نفوذ کل استان مدنظر قرار گیرد (گرگان می‌تواند به‌عنوان یک قطب کوچک و پاکانون قوی توسعه که نسبت به گنبد و پیرامون رشد یافته‌تر هست مورد توجه باشد). در گزینه بعد، می‌توان بایک نوآوری گنبد کاووس را به‌عنوان یک کانون کمک‌کننده به گرگان معرفی کرد و با تقسیم کار بین این دو نقطه به گونه‌ای که گنبد با توجه به مرکزیت بندرترکمن به‌عنوان مرکز و کانون پشتیبان دهنده تولید و خدمات (با توجه به نزدیکی به بازارمرزی اینچپه برون) برای شرق استان گلستان در نظر گرفته شود و گرگان هم کل استان را پوشش دهد.
- تقویت نقش درون و برون منطقه‌ای استان در تولید و عرضه انرژی در کشور، به ویژه زمینه‌سازی

برنامه ریزان برای دستیابی به اهداف خود از جمله برقراری عدالت اجتماعی و کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای مدنظر داشته باشند. اگر بپذیریم مهمترین هدف محوری، به ویژه کنش عقلایی در منطقه معطوف به هدف ایجاد یکپارچگی، انسجام و همگرایی فرهنگی و قومی است و مبنا قرار گرفتن این مهم از سوی دولت و گروه‌های قومی منجر به دستیابی به توسعه‌ای متوازن و فراگیر و بدون تبعیض خواهد شد، نگاهی کوتاه به شاخص‌های تلفیقی در منطقه حاکی از آن است که این امر خطر خاصه در بخش‌هایی از شهرهای منطقه (گنبد، بندرترکمن و...) به درستی مورد امعان نظر و توجه قرار نگرفته است. قرار گرفتن توسعه یافتگی در کنار کمتر توسعه یافتگی، شهروندی در مقابل رعیت‌وندی، مرکز بودگی در برابر حاشیه‌سپاری در دو سر منطقه شمال (قیاس غرب و شرق منطقه) موجب احساس محرومیت و یاس شده و به همین علت در استان‌های منطقه توسعه متوازن، با معیارها و اهداف معطوف به ارزش‌های فرهنگی نظیر ارزش‌گذاری ویژگی‌های زبانی، مذهبی و دینی نیز کمتر دیده شده و اجازه ظهور و بروز وجهی قابل قبول نیافته است، بی‌شک پذیرش تفاوت‌های قومی و انتخاب عقلانی خواسته‌های اقوام مختلف چیزی جز حرکت در راستای وحدت ملی و انسجام منطقه‌ای نخواهد بود. اولین پیامدهای گریز ناپذیر عدم تعادل منطقه‌ای، مهاجرت‌های غیرطبیعی با نرخ‌های بالا از شهرهای غیربرخوردار به شهرهای بزرگ هستند. رخدادی که حضور و ظهور آن در کل منطقه به ویژه در استان گلستان به وضوح قابل رویت است. نتیجه این امر، رشد سریع شهرنشینی در یک یا چند منطقه و بروز پدیده حاشیه‌نشینی در این مناطق، گسترش بخش غیررسمی اقتصاد و بروز اختلافات عمیق از نظر سطح درآمد و دسترسی به تسهیلات زندگی در مناطق برخوردار در مقایسه با سایر مناطق است، همچنین، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده در اثر تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در یک یا چند منطقه و تشدید پدیده حاشیه‌نشینی می‌تواند التهابات سیاسی جدی ایجاد کنند. در مجموع با

- تخصیص زیرساخت‌ها و عملکردها برای اجتناب از تمرکز جمعیت در یک نقطه.
- طراحی سیستمی متشکل از شبکه روابط منجمم سیستم درماتریسی از زیرسیستم‌های بخشی-قلمرویی (فضایی).
- تقویت و بسط عملکردی مناطق آزاد خصوصاً منطقه آزاد اینچه برون.
- ارزیابی جامع از نابرابری منطقه‌ای در شرایط ویژگی‌های فعلی از منطقه و توان آتی آن برای توسعه پایدار منطقه‌ای.

### منابع

- و ایجادبسترهای لازم برای افزایش تولید نیروی برق (احداث نیروگاه و...)
  - توسعه و تقویت بازرگانی استان با ایجاد بنادر کالا و مسافر جهت خدمات‌رسانی منطقه‌ای (بین سه استان شمالی) و توسعه بخش بازرگانی و صادرات غیر نفتی با توجه به موقعیت مناسب استان، همجواری با کشورهای آسیای میانه و قرار گرفتن در مسیر کریدورهای بین‌المللی حمل و نقل.
  - توسعه و تقویت امکانات فرودگاهی تا سطح بین‌المللی و گسترش شبکه‌های ارتباطی جاده‌ای، ریلی و دریایی برای دسترسی به کشورهای همسایه و استان‌های همجوار.
  - ایجاد قطب‌ها، محورها و مراکز گردشگری (دهکده‌های جهانگردی) در حد استانداردهای جهانی با تجهیز منابع به‌ویژه سرمایه‌های فرامنطقه و خارجی و اولویت به توسعه صنعت گردشگری در استان با عملکرد فرا ملی (بین‌المللی) به پشتوانه جاذبه‌های طبیعی و بافت‌های با ارزش تاریخی، فرهنگی، جاذبه‌های زیبا و منحصر به فرد ارزشمند اکوسیستم‌های آبی و تالابی، چشم‌اندازهای کوهستانی، جنگلی و مرتعی، پارک ملی گلستان.
  - مهار و ذخیره‌سازی آبهای سطحی، افزایش ظرفیت تولید برق-آبی و انتقال آب و بهبود روش‌های آبیاری و تأمین آب مورد نیاز شرب، محیط زیست و کشاورزی.
  - گسترش امکانات و تاسیسات زیربنایی و خدماتی (زیربنایی، اجتماعی و فرهنگی) در مراکز اصلی فعالیت با تأکید بر نواحی شرقی استان.
  - ساماندهی سواحل دریا و رودخانه‌ها و اعمال مدیریت یکپارچه در اختصاص کاربری‌های مناسب توسعه استان.
  - ایجاد ساز و کارهای لازم و حمایت از افزایش مشارکت بخش درفعالیت‌های تولیدی.
  - تقویت کریدورهای فرامنطقه‌ای موجود و یا ایجاد کریدورهای جدید به منظور ارتقاء نقش ملی و فراملی منطقه.
  - اجتناب و پرهیز از تمرکز بر یک کانون توسعه در
۱. اسماعیل‌زاده، حسن و شمس‌ی صالحپور، یعقوب اسماعیل‌زاده. ۱۳۹۴. تحلیل فضایی سطح توسعه یافتگی شهرستانهای استان آذربایجان شرقی به لحاظ شاخصهای توسعه و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال پنجم، شماره مسلسل شانزدهم، دانشگاه گلستان.
  ۲. اسدی، مرتضی. ۱۳۶۹. رشد نامتوازن و دوگانگی اقتصادی در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۴۲، دانشگاه تهران.
  ۳. احمدی‌پور، زهرا و حسین مختاری هشی و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و نرگس وزین. ۱۳۸۶. بررسی روند شتاب توسعه یافتگی فضاهای سیاسی-اداری کشور، مطالعه موردی: استانهای ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۶۸-۱۳۸۳)، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۳، شماره ۱ (پیاپی ۷)، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
  ۴. امیراحمدی، هوشنگ. ۱۳۷۵. پویایی‌شناسی توسعه و نابرابری استان‌ها در ایران (۱۳۶۵-۱۳۶۳)، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۰۹ و ۱۱۰، تهران.
  ۵. بختیاری، صادق. ۱۳۸۱. تحلیلی مقایسه‌ای از توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور، پژوهش‌نامه بازرگانی، سال ۶، شماره ۲۲.
  ۶. پورمحمدی، محمدرضا و زالی، نادر. ۱۳۸۹. نابرابری‌های منطقه‌ای و آینده‌نگاری توسعه، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال پانزدهم، شماره ۳۲.
  ۷. توفیق، فیروز. ۱۳۸۴. آمایش سرزمین تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.
  ۸. حبیبی، کیومرث و لطفی، صادق. ۱۳۸۶. تحلیل

۲۰. ویسی، اکبر. ۱۳۸۹. عوامل موثر بر نابرابری منطقه‌ای بین استان‌های کشور، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی
۲۱. یاسوری، مجید و خوشرو صادقی. ۱۳۸۸. نابرابری: علل چگونگی و پیامدهای آن، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۶۵-۲۶۶، تهران.
22. Bąk, Agnieszka, et al. 2009. Regional Disparities in Poland. Warsaw: Ministry of Regional Development Institute for Structural Research.
23. Ekins, P. and Medhurst, J. 2006. The European Structural Funds and Sustainable Development: A methodology and Indicator Framework For Evaluation, Sage Publication, 12(4): 474-495.
24. Godet, A.J., Meunier, M.F. and Roubelat, F. 2003. Structural analysis with the MICMAC method & actors' strategy with MACTOR method, in Glenn, J.C., Gordon, T.J. (Eds), AC/UNU Millennium Project: Futures Research Methodology-V2. 0, AC/UNU, Washington, DC.
25. Kutscherauer, A. et al. 2010. Regional Disparities in Regional Development of The Czech Republic. Ostrava: University of Ostrava.
26. Kim, S. 2007-2008. Spatial Inequality and Economic Development: Theories, facts, and policies. Working Paper (No.6), Commission on Growth and Development, Washington, DC: The International Bank for Reconstruction and Development.
27. Ozaslan, Metin; Bulent, Dincer and Ozgur Hoseyin. 2006. Regional Disparities and Territorial Indicators in Turkey: Socio-Economic Development Index (SEDI), European Regional Science Association; ERSA conference.
28. Soares, J.O., Marques, M.M. and Monteiro, C.M. 2003. A multivariate methodology to uncover regional disparities: A contribution to improve European Union and governmental decisions, European Journal of Operational Research, 145: 121-135.
- منطقه‌ای توسعه و توسعه نیافتگی در ایران با استفاده از شاخص موزون موریس، مجموعه مقالات اولین همایش ملی جغرافیا و آمایش سرزمین، گردآوری از دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان انتشارات نیک پرداز غرب، تهران.
۹. زیاری، کرامت‌ا... و کبری سرخ کمال و سید محمود زنجیرچی. ۱۳۸۹. ارزیابی کلاسیک کارآیی استان‌های کشور از لحاظ توسعه یافتگی با استفاده از روش DEA، فصلنامه مدرس علوم انسانی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره چهاردهم، شماره ۳.
۱۰. سعیدی، عباس. ۱۳۷۷. مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران.
۱۱. شیخی، محمد. ۱۳۷۶. جایگاه برنامه ریزی منطقه‌ای در ایران، ضرورت‌ها، مشکلات و طرح چندپیشنهاد، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۱۲۱ و ۱۲۲، تهران.
۱۲. طباطبایی یزدی، رویا. ۱۳۸۶. خلاصه مدیریتی گزارش تحقیقاتی (ویژگی‌های استان‌های کشور) ۱۳۸۳-۱۳۸۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۱۳. کاظمیان، غلامرضا. ۱۳۹۴. دومین نشست توسعه منطقه‌ای سمنان. دانشگاه سمنان.
۱۴. کلمن، دیوید و فوردنیکسون. ۱۳۷۸. اقتصادشناسی توسعه نیافتگی، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران
۱۵. گزارش توسعه استان گلستان. ۱۳۹۳. امورآمایش و توسعه منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه کشور، تهران
۱۶. محمودزاده، محمود. ۱۳۹۱. نابرابری و رشد اقتصادی در استان‌های کشور، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی سال بیستم شماره ۶۴.
۱۷. مطالعات آمایش استان گلستان. ۱۳۹۴. دانشگاه گلستان، فصل ۵، جلد اول.
۱۸. معصومی اشکوری، سیدحسن. ۱۳۸۲. توسعه صنعتی و تفاوت‌های منطقه‌ای در ایران، رساله دکتری، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
۱۹. میرکتولی، جعفر و محمدرضا کنعانی. ۱۳۹۰. ارزیابی سطوح توسعه و نابرابری ناحیه ای با مدل تصمیم گیری چند معیاره، مطالعه موردی: سکونتگاه‌های روستایی استان مازندران، فصلنامه جغرافیا و آمایش سرزمین، مجله مکان، سال اول، شماره دوم، دانشگاه گلستان.

